

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هانا آرنت: هشتاد سالگی مارتین هایدگر تَجَدُّدِ اَمْتَال: تَجْدِيدِ سَنَّت

جلسه سیزدهم

شنبه ۰۹ - ۰۶ - ۱۴۴۲؛ ۰۴ - ۱۱ - ۱۳۹۹؛ ۲۳ - ۰۱ - ۲۰۲۱

بیرون از خود برای او

• خدای تعالی می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبأ ۳۴:۴۶)

(بگو جز این نیست که پند می‌دهم شما را به یکی، که قیام کنید برای الله دو دو، و یک یک. سپس، تفکر کنید، نیست صاحب شما را هیچ پوشیدگی‌ای، نیست او مگر بیم دهنده‌ای برای شما پیش از عذابی شدید!)

چونُ غَرَقُ است در بی‌چون

- تفکّر: رفتن بی وقفه در گذرگاه‌ها، سوی بی‌جا، بی‌گاه، ناگاه بیرون از گذرگاه‌ها.
- ما نیز، این نیز!
- سوی خود اشیاء؟!!
- رفتم، نه من ماندم، نه شیء.
- ندانستم که اشیاء غرقند در لاشیء.
- ندانستم که در لقاء اشیاء به لقاء لاشیء می‌رسم.

چون غرق است در بی چون

- هایدگر و عبور از میراث‌ها سوی سرچشمه‌ها (مشرب‌ها، آبشخورهای) اصلی.

- تبار شناسی (Genealogy)

- Hannah Arendt:

... he (Martin Heidegger) knew that the thread of tradition was broken, was discovering the past anew.

چون غرق است در بی‌چون

• خدای تعالی فرماید:

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ
ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ
نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (آل عمران ۳: ۲۸)

(مومنان نباید بگیرند کافران را ولی به جای مومنین، و هر که
چنین کند، از خدا در هیچ چیزی نباشد، مگر آن که تقوا کرده
باشید از آنها تقوایی را، و خدا حذر می‌دهد شما را خودش، و
سوی الله است شدنگاه!)

چون غرق است در بی چون

• منسوب به هایدگر :

“Das Nichts nichtet” (the nothing nothings)

(نابود نابود می‌گرداند!)

• مولانا، جلال الدین محمد بلخی، غزل ۱۸۵۵
چه دانستم که این سودا مرا زین سان کند مَجنون
دَلَم را دوزخی سازد دو چَشَمَم را کند جیحون
چه دانستم که سیلابی مرا ناگاه پُر بآید
چو گشتی‌ام در آندازد میانِ قُلُومِ پُر خون

چون غرق است در بی چون

ز ند موجی بر آن گشتی که تخته تخته بشکافتد
که هر تخته فروریزد ز گردش های گوناگون
نهنگی هم بر آرد سر خورد آن آب دریا را
چنان دریای بی پایان شود بی آب چون هامون
شکافتد نیز آن هامون نهنگ بحر فرسا را
گشدد در قعر ناگاهان به دست قهر چون قارون
چو این تبدیل ها آمد نه هامون ماند و نه دریا
چه دانم من دیگر چون شد که چون غرق است در بی چون
چه دانم های بسیار است لیکن من نمی دانم
که خوردم از دهان بندی در آن دریا گفی افیون

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

• حافظ:

چو عاشق می‌شدم گفتم که بر دم گوهر مقصود
ندانستم که این دریا چه موج خون فشان دارد

ای که در کوچه معشوقه ما می‌گذری
بر حذر باش که سر می‌شکند دیوارش

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها

فراز و شیب بیابان عشق دام بلاست کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد

- Martin Heidegger:

“Ontic-Ontological distinctiveness”

Ontology, Primordial Sources, Genealogy

- Michel Foucault:

Genealogy, Archaeology, Discourse Analysis

• صعق، و محو، و هیمان ابدی

• صحو بعد محو

با ما منشین وگرنه بدنام شوی

- به شهادت هانا آرنت، هایدگر پس از اندک زمانی (ده ماه پُر دردسر) مخاطره عملی-سیاسی، به خلوتکده آنتولوژی نظری عقب نشینی کرد تا آخر عمر. وجود را "شناخت" اما "نشد".
- فوکو نیز هرگز به طور جدّی، نه نظری و نه عملی، داخل در حوزه بودن/شدن نشد.
- تا ژرفترین لایه‌های اشیاء می‌رود، اما بر ساحل می‌ایستد، تحذیر حقّ را، مومنانه، آویزه گوش می‌دارد، که "يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ!"

يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ

بگریز، چو یوسف از زلیخا!

• حافظ:

تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

گر همچو من افتاده‌ی این دام شوی
ای بس که خراب باده و جام شوی
ما عاشق و رند و مست و عالم سوزیم
با ما منشین و گرنه بدنام شوی

اینجا/آنجا: همه چیز به هم بافته

- فریضه/نافله
- ضرورت/انتخاب
- چون/بی چون
- قرآن/عترت
- خدا/انسان
- تنزیه/تشبیه
- او/من
- مومن/کافر ، کافر/مومن

با کافران چه کارت گر بت نمی پرستی؟!!

• فریضه/نافله

• وَ اتَّفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۷۵:۲۹ القیامة)

(و پیچید ساق به ساق)

كُلٌّ مَا زَادَ عَنْ حَدِّهِ انْقَلَبَ إِلَى ضِدِّهِ

(هرچه در نوردید حدّ خود را، دگرگون شد به ضدّ خودش.)

و كلّ ما جاوز حدّه انعكس إلى ضده

إذا جاوز الشيء حدّه انعكس ضده

فراسوی خود و دیگری: هم برو از جا و هم از جا مرو!

- من/او: کمال، زیبایی پر شکوه (Glory/Beauty)
- من: نزدیک، جمال، تشبیه
- او: دور، جلال، تنزیه
- جهان‌گرایی: تقدّم او بر من، تنزیه او از من، تقدیس او و تحقیر من
- محلّ‌گرایی: تقدّم من بر او، تشبیه من به او، تجلیل من و تنزیل او
- او/من، من/او؛ من/تو؛ تو/من: نزدیکِ دور، دورِ نزدیک

فراسوی خود و دیگری: هم برو از جا و هم از جا مرو!

- Martin Heidegger (B.&T., trans. Joan Stambaugh, p. 98):

An essential tendency toward nearness lies in Dasein.

(گرایش جوهری سوی نزدیکی در دا-زاین قرار دارد.)

اما این نزدیکی شیوه‌ایی از دوری است

Nearness as a mode of remoteness

جامه سیّہ کرد کُفرِ نورِ مُحَمَّد رَسید طَبَلِ بَقَا کوفتند مُلکِ مُحَمَّد رَسید

• خدای تعالی خطاب به موسی - علیه السّلام:

وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرُ
إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَ لَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ
فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى
صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ

الْمُؤْمِنِينَ (۱۴۳: ۱۷ الأعراف)

ساقی بی‌رنگ و لاف ریخت شراب از گِزاف رَقِصِ جَمَلِ كَرْدِ قَافِ عِيشِ مُمَدَّدِ رَسِيدِ

و چون موسی به وعده گاه ما آمد و پروردگارش تکلم نمود با او، گفت، "پروردگارا، بنما خودت را به من تا نظر افکنم بر تو!" گفت، "هرگز نبینی مرا، ولی نظر افکن بر [آن] کوه! پس، چون قرار یابد بر مکان خودش، زودا که مرا ببینی!" پس، چون پروردگارش تجلی نمود بر کوه، آن را متلاشی گرداند، و موسی مدهوش بیفتاد، و چون به خود آمد، گفت، "پاکا که تویی، توبه کردم سوی تو و من اولین مؤمنین باشم!"

زلف آشفته او موجب جمعیت ماست چون چنین است پس آشفته ترش باید کرد

شیخ ابن عربی:

آینه در آینه

• قاعده:

تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا

(اشیاء شناخته می‌شوند با ضدهایشان)

• ملاصدرا:

ذَوَاتُ الْأَسْبَابِ لَا تُعْرَفُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا

(سبب دارندگان شناخته نشوند مگر با اسبابشان.)

دست تو دست خدا: بشکن، ورنه بشکنم

• ساحران و موسی- علیه السلام:

تو یا ما؟

• با فرعون:

گزندی نیست، "لا ضیْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ"

• خدا با موسی درباره عصا

• تو تعریفش نکن، بیافکنش تا ما تعیینش کنیم!

دست تو دست خدا: بشکن، ورنه بشکنم

• خدای تعالی فرماید:

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى قَالَ بَلْ أَلْقُوا (۶۶-۶۵ : ۲۰ طه)

(گفتند، "ای موسی، یا تو افکنی، و یا ما اول کسی باشیم که افکنیم؟" گفت، "بلکه [شما] افکنید!")

• هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
(۳: ۵۷ الحديد)

آینه در آینه

• شیخ ابن عربی- رضوان الله تعالى علیه- در "فص حکمت نفّی در کَلِمَة شِیْثِي" از فصوص الحکم (ج ۱، ص ۶۲، ترجمه):
... و هیچ مثالی نزدیکتر و شبیهتر به رؤیت و تجلّی از این [مثال آینه] نیست. و هنگامی که صورت را در آینه می‌بینی، خودت بکوش که بینی جزم آینه را، هرگز بینی آن را. ... و اگر چشیدی این را، چشیده باشی غایتی را که فوق آن غایتی نیست در حقّ مخلوق. پس، طمع مورز و به رنج میافکن خودت را در بالاتر رفتن از این درجه، که أصلاً وجود ندارد، و بعد آن نیست مگر عدم محض.

آینه در آینه

پس، او آینه تو است در دیدنت خودت را، و تو آینه او هستی در
رؤیتش اَسْمَاءِ خُود و ظُهور أَحْکَامِشَان رَا، که نباشد جز خود او.
پس، أَمْرٌ دَرِ هَمٍ و بَرِ هَمٍ شُد، و مَبْهَمٌ.

• مولانا، جلال الدین محمد بلخی، غزل ۹۹:

چو تو در آینه دیدی رُخِ خُودِ
از آن خوشتر کجا باشد تماشا؟
غَلَطَ کَرْدَمُ دَرِ آئِنِه نَکُنْجِ
ز نُوْرَتِ مِی شُوْد لَا کُلِّ اَشْیَا

Différance

تباين

- Jacques Derrida:

The term *différance* means "difference and deferral of meaning." ... the French word *différer* means both "to defer" and "to differ". ... The first (relating to deferral) is the notion that words and signs can never fully summon forth what they mean, but can only be defined through appeal to additional words, from which they differ.

Différance

تباین

Thus, meaning is forever "deferred" or postponed through an endless chain of signifiers.

(wikipedia.org)

• مثال:

من از مدرسه به خانه گریختم.

• حافظ

این شرح بی‌نهایت کز زلف یار گفتند

حرفی‌ست از هزاران کاندرا عبارت آمد

گفتم صنم پرست مشو با صمد نشین گفتا به کوی عشق هم این و هم آن کنند

• حافظ:

با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل
کُشت ما را و دم عیسی مریم با اوست
حافظ از معتقدان است گرامی دارش
زان که بخشایش بس روح مکرم با اوست

• اکرام معتقدان!